

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه شیخ بهائی

نیرودتی - نیراتشی

جامع شیخ بهائی

بجاء داخل دانشگاه شیخ بهائی - فرہنگی دانشگاه - سال دہم - شماره بیست و چہارم - شمار ۹۹



علمی - فرہنگی - مذہبی - ادبی ...





مقام معظم رهبری:

کسانی که دست اندر کار هستند جوری عمل کنند که تولید ان شاء الله جهش پیدا کند و یک تغییر محسوسی در زندگی مردم ان شاء الله به وجود بیاورد.

(۱۳۹۹/۱/۱)



بسم الله الرحمن الرحيم

صفحه	عنوان	فهرست مطالب
۳	مدتی این مثنوی تاخیر شد.....	عنوان مجله:
۵	سخن آسمانی	جامع شیخ بهایی
۷	پارادایم حرکت در زندگی شهری آینده.....	(مجله داخلی دانشگاه شیخ بهایی)
۱۵	بخش سلامت (زندگینامه ی زکریای رازی).....	بهار ۱۳۹۹
۱۸	تجربه نزدیک به مرگ.....	صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
۲۲	شیخ ما گفت	دکتر سید محمود خاتون آبادی؛ معاونت دانشجویی و فرهنگی
۲۴	مناسبت ها در بهار ۹۹.....	طرح جلد، صفحه آرای و تدوین:
۳۵	اخبار دانشگاه در بهار ۹۹.....	فاطمه فدوی حسینی
		نگارش، بررسی و نظارت: شورای سردبیری
		رایانامه مجله:
		Jshbu1392@gmail.com
		jshbu@shbu.ac.ir

مسئولیت مطالب هر بخش به عهده نگارنده آن می باشد

مدتی این مثنوی تاخیر شد



سلامی گرم به عنوان سرآغاز سخن - پس از مدتی وقفه در انتشار فصلنامه جامع شیخ بهایی - به مجموعه‌ی همکاران دانشگاهی به ویژه تلاشگران مجد در راه اندازی و مدیریت کلاس‌های مجازی در شرایط استثنایی شیوع کرونا و همچنین اساتید همراه، همگام و صبور دانشگاه و نیز دانشجویان عزیز که دوران استرس کرونا را همراه با اضطراب نحوه‌ی استفاده از کلاس‌های مجازی و شیوه‌ی برگزاری امتحانات، گذرانده یا می‌گذرانند، و دعایی

به موازات و نیز بدرقه تلاش همه جانبه اهل دانش و کوشش؛ که دانش، دانستن است و کوشش عمل کردن مثبت بدان، و به فرموده‌ی امام امیرالمومنین^۱ و همچنین امام جواد علیهما الصلاه والسلام^۲ «لو سکت الجاهل ما اختلف الناس؛ اگر نادان و ناآگاه سکوت می‌کرد، مردم اختلاف نمی‌کردند»، و اگر هر کس در حد دانایی خود سخن بگوید و هر کس آنچه را نمی‌داند نگوید، بسیاری از فتنه‌ها از ریشه می‌خشکد. سکوت از جانب همه مطلوب است و از ناآگاه، مطلوب‌تر؛ تا آنجا که بعضی گفته‌اند: اگر کلام از نقره باشد، سکوت از طلاست، و در کلام حکیمانه برخی نیز آمده است: اگر برای سکوت یک بار هم پشیمان نگشته‌ام، ولی برای سخن گفتنم بارها پشیمان شده‌ام.

و اما کوشش و عمل، تلاش اخلاق مدارانه و معنویت گرایانه به دانش است که مولای اهل معرفت فرمود «العلم و الدین توأمان، اذا افتراقا احتراقا؛ علم و دین پیوسته با یکدیگرند و هرگاه جدای از هم شدند، آتش افروز خواهند بود» امروزه نیز به وضوح در کل جهان مشاهده می‌کنیم که آنجا که دانش و معنویت در کنار هم قرارگیرند خوشبختی بشر را به دنبال دارد، و هرگاه این دو از هم جدا باشد بشریت تباه می‌گردد. و حاصل آنکه در سعادت بشر دو امر مهم است یکی سکوت و عدم دخالت ناآگاهان و غیرمتخصصان و دیگری همراه کردن دانش با اخلاق، معنویت، معرفت و خردمندی در نزد متخصصان. پیامبر اسلام، امیرالمومنین و امام صادق -علیهم آلف التحیه و السلام- در بیانی مشابه عنوان می‌دارند که: «دو دسته کمر مرا شکستند: عالم مُتَهْتِک (دانشمند بی پروا) و جاهل مُتَسَّک (نادان مقدس مآب)». این روایت آن هم با توجه به تعبیر عجیب «کمر مرا شکستند»، حاکی از نقش کلیدی این دو گروه در ایجاد انحراف در شقاوت و تیره روزی بشریت بوده، لزوم توجه به مبانی و القائات مسموم و منحرفانه این دو گروه و احتراز از انتخاب آن‌ها به عنوان راهنما، دوست و رفیق را می‌طلبد. عالم متهتک و بی اخلاق، تمامی همت و تلاش خویش را صرف این می‌کند که مبانی فکری و ایدئولوژیکی و قضایای بنیادین علمی و اخلاقی جامعه را در تمامی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به سمت جداسازی از صداقت و اخلاقیات منبعث از معارف الهی، نماید.^۳ یعنی همان طور که فرد مقدس مآب بی بهره از خرد و فاقد حکمت و دانش، برای دین و دنیای مردم مضر بوده و با ایجاد انحراف در معنویات آن‌ها، مردم را به انحرافات عمیق و غیر قابل جبرانی

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۸۱

۲. الفصول المهمه، ص ۲۶۲

۳. امینیان، م. (۱۳۸۸، ۶ تیر). در بیان ویژگی‌های دوست مناسب عالم متهتک و برآشتن علیه دین و اخلاق. رسالت، (۶۷۳۹)، ص ۶.



گرفتار می‌نماید، عالم و حکیم منهای معنویت نیز با دانش خشک و بی روح خود، به مراتب بیشتر موجب انحراف در اعتقادات مردم و تغییر مسیر حرکت زندگی ایشان به وادی شقاوت و بدبختی ابدی می‌شود.

و هم اکنون که بحمدالله بیست و چهارمین فصلنامه جامع شیخ بهائی - پس از فاصله و فترتی که با توجه به شرایط خاص به وجود آمد- منتشر می‌شود پربار بودن هرچه بیشتر آن توجه ویژه دانشمندان معتقد به دانش و معنویت را می‌طلبد؛ بدان امید که شما فرهیختگان ما را در پربار کردن هرچه بیشتر آن راهنمایی و کمک فرمایید، والسلام علی من اتبع الهدی و رحمه الله و برکاته.

دکتر سید محمود خاتون آبادی

معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه شیخ بهائی



سخن آسمانی

مریم کاظمی^۱

امام حسن (علیه السلام): " لا ادب لمن لا عقل له کسی که عقل ندارد ادب ندارد"^۲

این سخن در کلام امام معصوم خود بیانگر جایگاه ادب و تربیت در اسلام است. در واقع قرآن کتاب ادب است و رسالت انبیا چیزی جز ادب آموختن و هدایت مردمان نیست. آنجایی که قرآن کریم به رعایت ادب و حسن خوش در برخورد با والدین: "و بالوالدین احسانا"^۳ در محض ورود به خانه خود و دیگران "یا ایها الذین امنوا لاتدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستانسو"^۴ در مناظره و صحبت با دیگران، در نیکی و بخشش، در نشستن و برخاستن و بسیاری دیگر از موارد تاکید می‌نماید خود گواه این مطلب است. اما ادب چیست و آیا رعایت ادب فقط برای مومنین ضرورت دارد؟ ادب در لغت به روش پسندیده، خوی خوش، نگهداری حد هر چیزی، نیک گفتاری و نیک کرداری و غیره گفته می‌شود و در اصطلاح به حفظ حد و اندازه هر چیزی و تجاوز نکردن از آن ادب گویند.^۵ ادب هیأتی زیبا و پسندیده است، هنری آموختنی است و بعضی تربیت شایسته را گویند، چنانکه امام علی (علیه السلام) گویند: لا میراث کالادب هیچ ارثی بهتر از ادب نیست.^۶

اما ادب فقط برای فرد با ایمان نیست، بلکه رمز موفقیت و آرامش برای همه انسان‌ها است. در واقع هر کس می‌خواهد در دل دیگران راه یابد و روابطی سالم، پایدار و همراه با احترام از سوی دیگران داشته باشد باید رعایت ادب را بکند، چرا که ناگزیر باید قبول کنیم که (ادب مرد به ز دولت اوست)^۷

عقل بر گوش دلم گفت که ایمان ادب است	کردم از عقل سئوالی که مگر ایمان چیست؟
فرق ما بین بنی آدم و حیوان ادب است	آدمیزاد اگر بی ادب است، آدم نیست
با ادب باش که خاصیت مهمان ادب است ^۸	چند روزی که در این خانه تن مهمانی

بنابراین برترین ادب، آن است که انسان بر سر حد و مرز و اندازه خویش بایستد و از قدر خود در هیچ مورد اعم از خشم، سخن، کنایه، طنز و شوخی و غیره فراتر نرود زیرا ادب به خودی خود هم یک ارزش اخلاقی و اجتماعی بسیار ارزشمند برای فرد است و هم ارزش آفرین برای اطرافیان، هم برای فرزندان و هم برای اولیاء که تربیت کننده آنانند. چرا که ادب نزد هر کس و هر کجا باشد، هاله‌ای از محبت و جذابیت را پدید می‌آورد و انسان با ادب را عزیز و قابل احترام می‌نمایند. به این جهت مولانا ادب را توفیقی از جانب خداوند منان می‌داند و سعادت نداشتن آن را محرومیت از لطف پروردگار که ضرر و زیان آن همه آفاق را در بر می‌گیرد و سفره رزق الهی را از بین می‌برد.

^۱. مدرس معارف اسلامی دانشگاه شیخ بهائی

^۲. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۱ و دانشنامه امام حسن علیه السلام، جمعی از نویسندگان، ج ۱، ص ۲۵۳

^۳. الاسراء، آیه ۲۳

^۴. نور، آیه ۲۷

^۵. دهخدا، کلمه ادب

^۶. شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۴۴۷

^۷. گلستان، سعدی، حکایت شماره ۱

^۸. منسوب به سعدی از سایت Ganjooor.net



از خدا جوییم توفیق ادب بی ادب محروم گشت از لطف رب
بی ادب تنها نه خود را داشت بد بلکه آتش در همه آفاق زد^۱
و در پایان ادب مثل عطر است، ما برای خودمان استفاده می‌کنیم اما دیگران هم از آن لذت می‌برند.



^۱. مثنوی معنوی، جلال الدین مولوی، دفتر اول



پارادایم حرکت در زندگی شهری آینده

منیژه رحمتی^۱

مقدمه

به نظر می‌رسد کل گیتی در حال حرکت است. در جای جای این کره، گروه‌های مختلف از طریق شبکه راه‌های بهم پیوسته و در هم تنیده حمل و نقلی و یا پایگاه‌های اطلاعاتی با هم تعامل می‌کنند و این تعاملات در یک مقیاس عظیم رخ می‌دهد. امروز (در بازه‌ی یک روز) کل شهروندان جهان ۲۳ میلیارد کیلومتر حرکت کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شود تا ۲۰۵۰ این رقم به چهار برابر (۱۰۶ میلیارد) برسد. این در حالیست که افراد زمان زیادی را نیز برای این جابجایی‌ها اختصاص نمی‌دهند (حدود یک ساعت در روز). آن‌ها با استفاده از فناوری‌های ارتباطی مدرن، سریع‌تر و طولانی‌تر از گذشته جابجا می‌شوند.

در حال حاضر توریسم، بزرگ‌ترین صنعت در جهان است. برای توریست قرن بیست و یکمی، جهان به مثابه یک فروشگاه بزرگ متشکل از بادیه‌ها و شهرهای مختلف است که می‌توانند آزادانه از میان آن‌ها دست به انتخاب بزنند. ماده نیز در این گردش آزادانه افراد در حال جابجایی است. رسانه در قالب ماده (دی وی دی، رادیو، تلویزیون، دستگاه‌های ضبط و گوشی‌های موبایل) پیوسته فراتر از مرزهای سیاسی در حال دست به دست شدن است. این جابجایی مدام اشیا و افراد به تنهایی یک سوم گازهای گلخانه‌ای جهان را تولید می‌کنند و از این‌رو تاثیر عمده‌ای در محیط جهانی بر جای می‌گذارد. برخی دیگر از آثار مخرب این جابجایی انبوه، افزایش آلودگی‌های صوتی، کاهش کیفیت هوا، اختلال بصری و بویایی، آسیب لایه‌ی ازن، گسست اجتماعی، و آثار مخرب پزشکی مانند تلفات جانی، چاقی و آسم را می‌توان بر شمرده.

اینترنت با سرعت بیشتری نسبت به سایر تکنولوژی‌ها در حال رشد و پیشرفت است و تاثیرات عمده‌ای بروی جهان کنونی دارد. ارتباطات مجازی شیوه جدید تعامل درون و بین جوامع است. بالاخص در جوامع کمتر توسعه یافته که قبل از توسعه کلاسیک تکنولوژی مستقیماً به توسعه مجازی شبکه ارتباطات روی آورده‌اند. ظهور تکنولوژی موبایل بسیاری از ابعاد اقتصادی و اجتماعی زیست را از طریق دور کردن نقطه ثقل ارتباطات اجتماعی از هم، تحت تاثیر قرار داده‌است. مردم، ماشین‌ها، اطلاعات و قدرت و پول و ایده‌ها پیوسته در حال جابجایی و حرکت، روابط انسانی را ماده‌زدایی کرده و ایجاد ارتباط را با سرعت باور نکردنی میسر ساخته‌اند.

چرا انسان‌ها به صورت فیزیکی سفر می‌کنند و نتایج، محنت‌ها و لذت‌های ناشی از آن و تبعات پیش‌بینی ناپذیر کالبدی این تحرکات چیست؟

موضوع حرکت به طرز اجتناب ناپذیری با زندگی مردم آمیخته شده‌است و به همین دلیل از اهمیت حیاتی برای اقدامات نهادهای مختلف عمومی و خصوصی محلی و جهانی برخوردار است. بسیاری از نظریه پردازان مانند زیمل، بنیامین، دلوز، لفر، دوسرتو و گافمن طلوع عصر حرکت را بشارت داده‌اند و در مورد آن نظریه پردازی کرده‌اند. مطالعات متاخر در حوزه مطالعات فرهنگی، فمینیسم، مطالعات مهاجرت، سیاست، مطالعات علم، جامعه‌شناسی، حمل و نقل و توریسم و غیره، به سرعت در حال پیوند دادن علوم اجتماعی به علوم فیزیکی و مطالعات تاریخی هستند. عصر حرکت، یک حوزه مطالعاتی فرارشته‌ای^۲ است. در کل چهار نگاه و رویکرد به تعریف حرکت و متحرک وجود دارد:

^۱. عضو هیئت علمی گروه شهرسازی و معماری دانشگاه شیخ بهایی Email: m.rahmati@shbu.ac.ir

^۲. Post-disciplinary



۱- استفاده از واژه‌ی متحرک برای اشاره به هر چیزی که حرکت می‌کند یا ظرفیت حرکت کردن را داراست. در این نگاه واژه حرکت و متحرک بار معنایی مثبتی دارد (مگر نقدهایی که به هایپر موبیلیتی (بیش تحرکی) وارد شده‌است).

۲- حرکت و متحرک به معنی ازدحام اغتشاش آلود^۱، بی نظمی توده وار^۲ و هر اجتماع^۳ غیر معمول. دنیای معاصر در حال تولید اشکال خطرناک ازدحام و گردهمایی‌ها با نام اخلاص گران هوشمند است. این ازدحام‌ها به سختی قابل کنترل هستند و حکومت‌ها ناچارند با توسعه ابزارهای نظارتی پیشرفته محاسباتی و پایشگری، پیوسته مرز فضاها و مکانها را تحت کنترل داشته باشند.

۳- واژه‌ی متحرک و حرکت در معنای به کار رفته در جامعه‌شناسی و علوم متداول^۴ اجتماعی. در این رویکرد تحرک اجتماعی یا از پایین به بالاست و یا از بالا به پایین. تحرک در این نگاه عمودی و سلسله مراتبی است و روابط به شدت پیچیده‌ای میان لایه‌های مختلف حرکت اجتماعی و فیزیکی وجود دارد.

۴- تحرک در معنای وسیع‌تر مهاجرت و یا سایر اشکال نیمه پایدار جابجایی جغرافیایی.

همچنین ۱۲ شکل مختلف حرکت در جامعه معاصر قابل تشخیص است که البته بروی هم تاثیر و تاثر دارند:

- پناهنده‌گان، آوارگان، بی‌خانمان‌ها و مهاجرت شغلی و حرفه‌ای، تحصیلی، درمانی، جنگی، تغییر شغل یا بازنشستگی، مسافرت همراه (کودک، والدین و خویشاوندان) مسافرت‌های مهاجرتی به منظور تخلیه سرریز جمعیت به سایر نقاط جهان (مانند همان‌چه در چین اتفاق افتاد) مهاجرت نیروهای خدماتی به شهرهای جهانی- سفرهای توریستی- صله ارحام و دیدار با دوستان و خویشاوندان- سفرهای روزمره کاری به خصوص پیاده روی.

در کل جابجایی‌ها همواره جعبه سیاه علوم اجتماعی بوده است و همیشه حرکت به عنوان یک سلسله فرایندهای خنثی در نظر گرفته می‌شده‌است که از طرق مختلف بروی زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تاثیرگذار می‌شود. ولی هر نقطه تلاقی در جابجایی‌ها در برگیرنده یک نظام است. بدین معنی که حرکت محصول تاریخ انسان است، محصول تعامل انسان با طبیعت و چنین تعاملی که مولد شبکه‌های وسیع چرخه‌های حرکتی^۵ هستند هم به لحاظ فرایندی و هم به صورت شکل جدیدی از گفتمان در علوم اجتماعی اهمیت دارند. این مساله به همان میزان اهمیت دارد که کشف نحوه گردش خون در بدن انسان، همانگونه که گالیله نیز گفته است، وضعیت طبیعی انسان تحرک است در سکون.

چنین سیستمی افراد، ایده‌ها و اطلاعات را قادر می‌سازد تا از مکانی به مکان دیگر، از فردی به فرد دیگر و یا رخدادی به رخداد دیگر منتقل شوند و این در حالی است تاثیرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها در علوم اجتماعی مطالعه نشده است.

اشکال حرکت در قرن بیستم نسبت به اشکال پیشا صنعتی حرکت گستردگی و تنوع بی سابقه‌ای یافته است. همان‌گونه که در قرن بیست و یک نیز پیش می‌رویم این نظام‌های حرکتی توسعه یافته‌تر و پیشرفته‌تر می‌شوند. این سیستم‌ها هر روز پیچیده‌تر می‌شوند، بیشتر به هم وابسته می‌شوند به گونه‌ای که یک سفر مستقل و واحد به شدت وابسته با سایر نظام‌ها می‌شود، این پیچیدگی‌ها وابستگی بیشتر را به رایانه‌ها و نرم‌افزارها را ایجاب می‌کند و آن‌ها را بیشتر از پیش نسبت به سازه‌های عادی آسیب‌پذیر می‌گرداند، سوانحی که رخ داد آن‌ها در هر زمان و مکان غیر قابل اجتناب است.

زندگی اجتماعی گستره‌های مختلفی از عناصر متحرک و ثابت، حرکت‌های اجباری و یا سکنی گزیدن‌های اختیاری مردم، ایده‌ها و اشیاء را شامل می‌شود. بنابراین حرکت شامل نظامی از ایده‌های مختلف اقتصادی و سیاسی می‌شود. پارادایم

¹.Mob

².Rabble

³.Crowd

⁴.Smart mobs

⁵.Circulation



تحركات ادر قالب يك گفتمان فرارشته‌ای و برگرفته از مفهوم پارادایم كوهن در تحلیل نمونه‌های علمی ایجادكننده انقلاب‌های علمی مطرح شده است. بنابراین پارادایم جابجایی صرفا به لحاظ محتوایی متفاوت از سایر پارادایم‌ها نیست، بلکه پركننده خلا فراموش شده و حذف شده اشكال مختلف حرکت افراد و ایده‌ها و غیره است. در اینجا واژه‌ی تحركات^۲ نیز در توسعه شكل جدیدی از علوم اجتماعی بر پایه مطالعه حرکت بكار رفته است.

مطالعات حرکت در علوم اجتماعی در سه بعد مورد غفلت بوده است: ۱. خود مفهوم حرکت و ارتباطات و فرم‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی سازمان‌دهنده آن‌ها مورد غفلت بوده است ۲. ماهیت كار، زندگی اجتماعی، سیاست و اعتراض‌ها در بطن نهادهای اجتماعی از ماهیت فرم‌های حرکت اهمیت بیشتری داشته است. ۳. علوم اجتماعی بیشتر به دنبال كشف الگوهای کلی ارتباطات اجتماعی بوده است و به زیرساخت‌های فیزیکی و مادی كه شكل‌گیری چنین الگوهایی را ممكن می‌سازند توجه نشده است. برای مطالعه ماهیت این ارتباطات لازم است كه رویكردی اتخاذ شود تا مرز میان مطالعات جامعه شناختی و تكنولوژی‌های حمل و نقل محو شده و امكان مطالعه آن‌ها با هم فراهم گردد.

زیمیل را شاید بتوان نخستین کسی دانست كه پارادایم تحركات را از طریق مطالعه مجاورت‌ها و فواصل در شهر مدرن ابداع نموده است. وی تفسیری هایدگری از اهمیت زیرساخت‌های حرکتی ارائه می‌كند. در این‌جا زیمیل به قدرت تصویرگری انسان در مفهوم‌سازی اشاره می‌كند: اگر ما قادر نباشیم در ابتدا امور را از طریق تفكرات عملی، یا نیازها و یا تخیلات خویش مجسم كنیم، در این حالت مفهوم فاصله در كل بی معنی خواهد بود، بنابراین این انجماد می‌تواند در قالب یكپارچگی طبیعی دیده شود كه واجد ارزش‌های زیبایی شناختی است.

زیمیل گونه‌های مختلف الگوهای اجتماعی فضایی حرکت را شناسایی كرده است كه شامل: خانه به دوشی، ولگردی، سیاحت‌های پادشاهی، پناهندگی‌های سیاسی، مهاجرت، و ماجراجویی و سفرهای تفریحی است. زمان ساختاردهنده هر نوع دور هم جمع شدن است ولی چنین تأثیری مستقیم و ساده نیست. گاهی اوقات عمیق‌ترین رابطه‌ها در زمان بسیار اندکی شكل می‌گیرند و از طرفی سپری كردن زمان‌های طولانی الزاما به روابط دوطرفه و اعتماد ختم نمی‌شود. از طرفی زیمیل اشاره می‌كند كه چگونه سفرهای فیزیکی با سایر اشكال جابجایی ارتباط دارد. وی همچنین در مورد شهر معاصر و گستردگی گونه‌های جدید حرکت و بی‌قراری در آن تئوری‌پردازی كرده است. به دلیل تنوع و غنای محرک‌های انگیزش‌دهنده حرکت و ازدحام در شهر معاصر، مردم ناچار هستند نوعی حس بی‌تفاوتی را بدان‌ها داشته باشند. بنابراین حرکت در شهر درست به مانند حرکت سریع پول، بدون احساس و بی تفاوت است.

با این وجود زیمیل هیچ‌گاه زندگی شهری را در قالب فرم‌های فضایی شهر توضیح نداده است. وی اشكال مختلف جدایی‌گزینی و تنوع را در زندگی مدرن تحلیل كرده است و نشان داده است كه حرکت، تنوع انگیزش‌ها و مشخصه‌های بصری مكان‌ها، عوارض و پدیده‌های خاص تجربه شهری مدرن هستند. نه تنها به دلیل ماهیت پول با تمامی بی‌حسی و بی‌تفاوتی خویش، بلکه به دلیل همزادش، یعنی شهر مدرن، چنین منطقی لازمه زندگی اجتماعی مدرن شده است.

این بی تفاوتی و فاصله‌گذاری در شهر مدرن، از طریق گردهم‌آیی تعداد كثری از مردم با سلائق و علائق بسیار متفاوت حاصل شده است كه ناچاراند روابط و فعالیت‌های خود را با ضرباهنگ این ارگانیزم پیچیده منطبق كنند. بنابراین ایجاد يك نظام پیچیده از روابط بدین معنی است كه لازم است عنصر فاصله اجتماعی در ملاقات‌ها و فعالیت‌ها حفظ‌شده، منطقی، زمان‌بندی شده، نظام‌مند و ساختاریافته با درجه انتظام بالا باشد و این مساله خود باعث ایجاد فاصله‌های توام با احترام در شهر مدرن می‌شود. ولی در عین حال زندگی شهر مدرن، سوژه‌های بسیار شخصی‌سازی شده را نیز تولید می‌كند. تلاشی

^۱. Mobilities paradigm

^۲. Mobilities

برای متفاوت بودن، حالت تهاجمی گرفتن و جلب توجه کردن. بنابراین زندگی متروپلی به موازات هم گونه‌های بسیار قدرتمند ابژکتیو^۱ و سوپژکتیو^۲ را خلق می‌کند که از یک طرف بسیار قاعده‌مند، فاصله‌ای و رسمی است و از طرفی بسیار متنوع و شخصی است.

زیمیل در تحلیل خود از لحظه‌های هم بودگی، متوسل به جامعه‌شناسی عامه حواس، بالاخص حواس دیداری، شنیداری و بویایی می‌شود. هم‌بودگی چهره به چهره یک الزام و در آن واحد محصول سفر است. هم‌بودگی شکل بنیادین تعامل و کنش‌های اجتماعی است. به زعم زیمیل، معانی مختلف چهره دارای بار اطلاعاتی زیادی است. چهره در مورد سبک زندگی افراد روایت‌گری می‌کند. وی می‌گوید که چگونه چیزها در ارتباط با دیگران معنی می‌یابد و رفاقت‌های مشترکی که افراد درون آن هستند هویت آن‌ها را روشن می‌سازد.

زیمیل پول را به عنوان رسانه خودسازمانده اقتصاد مبادله‌ای می‌داند و تاثیراتی که این مبادله بر جای می‌گذارد قابل تقلیل به فعالیت‌های مبادله‌ای فردی نیست. چرخش و تحرک نیز مشابه پول عمل می‌کنند و می‌توانند به مثابه یک رسانه مبادله‌ای جدید تحلیل شوند که اولاً خود سازمانده است و ثانیاً قابل تقلیل به الگوهای فردی حرکت نیست. در این تحلیل حرکت تنها یک جریان نیست، بلکه یک شار و سیلان است. شار بر خلاف جریان نیازمند تنش و تنازع و تقابلی است که از دیالکتیک تکنولوژی و زندگی اجتماعی و دیالکتیک بین تحرکات و ناتحرکات حاصل می‌شود. بر اساس تحلیل زیمیل، هیچ جریان خالصی وجود ندارد و بیشتر سیلان و شار اصالت دارد. مشخصه‌ی پیچیده زندگی اجتماعی بیشتر بر آمده از چنین جریان دیالکتیکی شار گونه میان ناتحرک و تحرک است. به بیان روشن‌تر با الهام از زیمیل، حاصل دیالکتیک بین نظام‌مند سازی^۳ و شخصی‌سازی^۴ است.

در علوم اجتماعی معاصر توجه ویژه‌ای به پیچیدگی حاصل ترکیب علوم طبیعی و اجتماعی به وجود آمده است. در مورد جامعه‌شناسی حرکت موارد زیر را می‌توان در اشاره به تئوری پیچیدگی عنوان داشت: -سرعت ناباورانه انتقال پول، تصویر، مردم، سرمایه و اطلاعات در سراسر جهان -رشد تکنولوژی‌های ارتباطی بر پایه میکروالکترونیک و تبدیل نظام سلسله مراتبی کلاسیک نهادی به شبکه‌های دیجیتال خودبنیاد (مانند شبکه هوشمند اغتشاش گران) -ظهور و بروز خردساختارهای جهانی^۵ مانند جنبش ضدجهانی شدن، بازارهای اقتصادی یا شبکه‌های تروریستی -افزایش پیچیدگی مرکب^۶ محصولات و تکنولوژی‌ها -عیان‌تر از همه نظام‌های مختلط^۷ روابط اجتماعی و اشیاء کالبدی -تعیین ناپذیری قطعی رخدادها و پیامدها در زمان و مکان -تغییرات متنوع غیر خطی در روابط، خانوارها، جوامع در سرتاسر جهان -اهمیت لحظه‌های تجزیه طلبی (مانند تجزیه شوروی سابق در یک شب) -نگاه یکپارچه به کلیه مواد و ارگانیسم‌های محیطی موجود به روی زمین به مثابه آنچه لاولاک آن را گایا نامید- افزایش نهادهای علمی، تجاری‌سازی فزاینده علم و نظام سرمایه‌گذاری و پشتیبانی از پیش برد آن به معنی مکان‌ها و مناطق و ملت‌های محدود و اصیل به مثابه پایه‌های بنیادین تجربه انسانی است. همان‌گونه که اینگولد می‌گوید: منظر از طریق ثبت پیوسته رد پای کار و زیست نسل‌های پیشین تثبیت می‌شود. نسل‌هایی که درون آن می‌زیسته‌اند و در آن چیزی از خود به جای گذاشته‌اند. اینگولد می‌افزاید: هر منظر فعالیتی

1.Objective

2.Subjective

3.Systematization

4.Personalization

5.Global micro structures

6.Hybrid complexity

7.Hybrid systems

محیطی است که هویت و تشخص اجتماعی هر منظری را به وجود می‌آورد. مسیرها ردپاهای تجمع یافته تعداد بیشماری از افراد است که در طول فعالیت‌های روزمره بر جای مانده است.

ایده‌های دیگر در مورد حرکت برخاسته از استعاره‌هایی چون سیالیت و خانه به دوشی است. این استعاره‌ها با ایده‌های دلوز انطباق دارند که می‌گوید: فضای دیفرانسیل (تفاوت) با موتیف‌هایی چون ایستا، همگام، طبقه‌بندی شده و ضد تاریخی در مفهوم ساختار، تناقض دارد. هیچ چیز ایستایی وجود ندارد، تنها فرایند خلق و تبدیل وجود دارد. چیزی قبل از حرکت وجود ندارد، حرکت ذات اشیا را بر ملا می‌کند. یکی از استعاره‌های خانه به دوشی، استعاره مثل است. مثل به مانند فرودگاه یک فضای گذار است، نه بیانگر رسیدن است و نه بیانگر رفتن، فقط یک سکون است.

روابط اجتماعی به صورت فضایی سازماندهی می‌شوند و ساخت‌یابی فضایی روابط تاثیر عمده‌ای بروی روابط اجتماعی دارد. مطالعات مهاجرت و سفر نشان می‌دهند که اشیا چگونه جابجا می‌شوند و چگونه می‌توانند در طول این جابجا شدن‌ها معانی خود را حفظ کنند. اشیا می‌توانند از طریق روابط شبکه‌ای بهم نزدیک شوند. دستاورد ثابت شبکه، فائق آمدن بر مرزبندی‌های معمول منطقه‌ای است. جابجایی نیازمند جغرافیای مرکب و ناهمگن از انسان‌ها و ماشین‌هاست و این مساله باعث می‌شود که شکل و فرم آن‌ها در هنگام انتقال از شبکه‌ای به شبکه‌ی دیگر ثابت بماند.

کلیه‌ی ارتباطات اجتماعی باید در قالب اتصال‌های متنوعی دیده شوند که کمابیش از هم فاصله دارند، کمابیش سریع هستند و کمابیش شدید هستند و کمابیش نیازمند حرکت‌های فیزیکی هستند. از لحاظ تاریخی، علوم اجتماعی بیشتر بروی یک محدوده‌ی مشخص جغرافیایی تمرکز داشته‌اند که در آن روابط اجتماعی کمابیش با ارتباطات چهره به چهره مطالعه می‌شد. این رویکرد تحلیلی‌هایی را در بر می‌گیرد که بروی الگوهای حاصل از مناسبات مستقیم اجتماعی در هم‌بودگی توجه دارد. ولی بسیاری از مناسبات اجتماعی با انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی بر پایه مجاورت و تجانس نیستند. همه جوامع با فرایندهای نسبتاً مستقل با مساله‌ی فاصله برخورد می‌کنند و از این رو تحلیل آن‌ها نیازمند گفتمان‌های مختلفی از حرکت است.

کلیه‌ی این فرآیندها برخاسته از پنج‌گونه مرتبط از تحرکات هستند که نظام بخش ارتباطات اجتماعی در فاصله هستند:

- ۱- سفر بدن‌ها برای کار ۲- جابجایی‌های فیزیکی اشیا به تولیدکنندگان ۳- سفرهای خیالی از طریق تصویر مکان‌ها و افراد
- ۴- سفرهای مجازی که در لحظه رخ می‌دهند و مسافت‌های جغرافیایی و اجتماعی را دور می‌زنند ۵- سفرهای ارتباطی از فردی به فرد دیگر از طریق پیام رسان‌ها، نامه‌ها، تلگراف و تلفن و فکس و موبایل. پژوهش اجتماعی عموماً به یکی از این گونه‌ها در آن واحد تمرکز دارد و با مطالعه‌ی آن سعی دارد تا مشخصه‌های عمومی آن را تبیین کند. ولی در نقطه‌ی مقابل، پارادایم جدید بروی سرهم‌بندی پیچیده گونه‌های مختلف جابجایی تاکید دارد که به شکلی اتفاقی روابط اجتماعی در فواصل مختلف تنظیم می‌کند. این روابط به گونه‌ای شبکه‌وار در حال پخش در سراسر گیتی هستند و در آن واحد برای بازتولید خودشان نیازمند تحرکات چندگانه می‌باشند.

سفرهای فیزیکی نیازمند بدن‌های جنسی شده، سن و سال دار، آسیب پذیر و حتی نژادی شده هستند که با سایر بدن‌ها، اشیا و جهان‌های فیزیکی با حواس مختلف درگیر شده و تعامل می‌کنند. تماس‌های چهره به چهره اغلب در بازه‌های زمانی مشخص و با انجام جابجایی‌ها ممکن می‌شوند. این تماس‌ها و حرکت‌های وابسته به آن‌ها، عناصر بسیار حیاتی در تداوم اشکال حیات اجتماعی هستند و در بسیاری از موارد در فواصل دور از هم تنظیم و تقریر می‌شوند.

واقعیت فاصله مسائل عمده‌ای را برای شهرها و ایالت‌های مدرن به وجود آورده است که از قرن هجده تا به حال به دنبال نوعی حاکمیت بر جمعیت می‌باشند. عقلانیت بخشی به مساله فاصله و مردمی بی‌قرار و همیشه در حال تحرک وقتی یک پرابلماتیک عمده است که گفتمان حرکت اهمیت فزاینده‌ای در این لحظه تاریخی دارا باشد. وقتی رویکرد علم الاجتماعی به

زندگی اجتماعی، یک نگاه خالص شده باشد که در قلمرو اجتماعی و مستقل از طبیعت و اشیاء به وقوع می پیوندد. در این حالت با تعبیر فوکویی از حاکمیت با چالش جدی مواجه خواهد شد (فوکو در مطالعاتش نشان داد که چگونه اشیاء و انسان‌ها در حاکمیت دخیل هستند). وقتی آن‌ها بدون وقفه در حال حرکت هستند، ممکن است در حرکت با سایر اجزاء به آرامی و یا به شدت جفت شده و حرکت آن‌ها را متوقف کرده یا بدان شدت بخشند.

نظام‌های حرکتی حول فرایندهایی سازمان می‌یابند که اشیاء، افراد، اطلاعات و طیف‌های مختلف فضایی با سرعت‌های مختلف را در بر گیرد. هر چقدر مقیاس اثر گذاری این چرخه‌های حرکتی بیشتر باشد، اهمیت سرمایه شبکه‌ای نیز بیشتر خواهد شد. با افزایش موانع حرکتی، احتمال بروز اشکال مختلف حرکت‌های اجبار شده نیز بیشتر خواهد بود. نظام‌های حرکتی مختلف و شریان‌های حرکت به مرور زمان طولانی‌تر می‌شوند و این به سبب تثبیت فضایی قدرتمند این نظام‌ها است. نظام‌های مذکور بیش از پیش بر پایه اشکال تخصصی دانش شکل می‌گیرند. در این حالت نظام عناصر غیر منقول، بالاخص اشکال پلتفرمی آن‌ها (مانند ایستگاه‌ها، معابر و گاراژها، فرودگاه‌ها، سکوها و غیره) به تجربه تحرک ساختار می‌دهند.

پیاده‌روی اشکال مختلف تجربه اجتماعی را شامل می‌شود. با این‌که پیاده‌روی در همه جا به طور طبیعی وجود دارد ولی هیچ چیز در مورد پیاده روی طبیعی نیست. قدم زدن برای کسب لذت، یک تجربه عجیب و غریب و متمایز در بطن جامعه مدرن است. این شکل از پیاده‌روی محصول تکنولوژی‌هایی هستند که ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خاص محیطی را برای حرکت درون فضاهای کالبدی و اجتماعی ایجاد می‌کنند. تکنولوژی‌های مذکور وقتی ظرفیت‌های مختلف حرکتی را به وجود می‌آورند، اشکال مختلف نظم اجتماعی پدید می‌آید. برای مثال برخی پیاده‌روی‌های ماجراجویانه، بدن را مجبور می‌کنند در یک ریتم خاصی قرار گیرد و در اغلب اوقات بدن با تحمل فشار و درد (کوه‌پیمایی و یا عبور از جنگل) خود را با ضرباهنگ دنیای بیرون وفق دهد. از برخی جهات، پیاده‌روی نیروهای رهایی بخش مستتر در سیاست‌های زندگی روزمره را آزاد می‌کند. ایستادگی و مقاومت یک تنه در مقابل عناصر و جهان فیزیکی. بنابراین پیاده‌روی قابلیت‌هایی دارد که آن را مطبوع و دلپذیر می‌کند و یک جامعه خوب، می‌تواند جامعه‌ای باشد که در آن پیاده‌روی اشاعه یافته است. پیاده‌روی بیشتر به معنی افزایش سلامت و ارتقا سرمایه اجتماعی و کاهش بی‌نظمی است. هر چقدر تکنولوژی‌های مورد بحث قادر باشند ظرفیت‌های پیاده‌روی را برای اقشار بیشتری فراهم سازند، قابلیت محیطی پیاده‌روی افزایش یافته و آن را بدل به تجربه‌ای لذت بخش‌تر می‌کند. پیاده‌روی در میان نظام‌های حرکتی عادلانه‌ترین و تساوی‌گرایان‌ترین آن‌هاست. گرچه پیاده‌روندگان با علائم جنسیت، طبقه و نژاد نشانه‌گذاری شده‌اند، گرچه پیاده‌روی آن‌ها توسط تکنولوژی‌هایی با دسترسی و توزیع ناعادلانه ممکن شده است، ولی نابرابری‌های اجتماعی در آن کمتر از سایر اشکال حرکت به چشم می‌خورد. از این رو هر چه نظام پیاده‌روی در جامعه‌ای قدرتمندتر باشد، نابرابری‌های اجتماعی کمتری در آن به چشم خواهد خورد.

خطوط راه‌آهن عموماً در یک نظام سلسله مراتبی توسعه می‌یابند و متولی آن‌ها اغلب نهادهای نظامی با سلسله مراتب نظامی و تقسیم کار مشخص و سطوح دفاعی حساس می‌باشند. این الگوی سلسله مراتبی مشخصه‌ی بارز شرکت‌های سازنده و توسعه دهنده‌ی شبکه ریلی خصوصی و دولتی در دوره‌ی کاپیتالیسم سازماندهی شده^۱ در قرن بیستم بودند. بنابراین نظام حمل و نقل ریلی اساساً ماشین‌های نظامی بودند که بروی نقاط کلیدی و استراتژیک انتقال کالا و خدمات تاکید داشت. بنابراین چنین نظام صلب و واجد سلسله مراتبی نمی‌توانست همگام با رشد فزاینده نظام حمل و نقل جاده‌ای تکامل یابد. و این در حالی بود که حمل و نقل جاده‌ای یک سیستم پیچیده و انطباق پذیر بود. ولی با این حال نظام ریلی در پاسخگویی به تحولات توانست سه واکنش محدود را نشان دهد: واکنش به سرعت، واکنش نئولیبرال و واکنش حمل و نقل جامع و

^۱.Organized capitalism



یکپارچه. واکنش اول نظام ریلی ساخت خطوط ریلی با سرعت بالا بود که قادر بود دامنه‌های وسیع‌تری را پشتیبانی نماید. واکنش دوم تبدیل شدن خطوط ریلی به تسهیل جریان کالا و سرمایه نئولیبرالیسم بود. واکنش سوم تبدیل شدن خطوط ریلی به یک نظام یکپارچه حمل و نقل بود. در این حالت خطوط ریلی با سایر نظام‌های سفر به صورتی هماهنگ و یکپارچه عمل می‌کرد (مانند اتوبوس، قطارهای شهری) از این رو ایستگاه‌ها بدل به یک فضای عمومی شدند و نقش یک پل را بین نقاط مختلف شهری ایفا کردند که در آن همگان آزادانه می‌توانستند جابجا شوند.

قدرت اتومبیل نتیجه سیستم حرکتی انعطاف‌پذیر آن است. برخلاف اتوبوس و قطار، اتومبیل یک سبک زندگی است و مفهوم حرکت را بازتعریف کرده‌است. این نظام به شدت تغییرپذیر و انطباق‌پذیر بوده و در بافت هر جامعه‌ای در هم تنیده است. اتومبیل قادر است تا فردی‌ترین فضاهای زیستی نیز نفوذ کند. اتومبیل می‌تواند بدل به بخشی از نظام محیطی اطراف خود شود و در واقع با بنگاه‌های اقتصادی و الگوهای اجتماعی کاپیتالیسم قرن بیستم تطابق کامل دارد. نقش کلیدی را برای مصرف‌کننده فردی در فرهنگ کاپیتالیسم معاصر دارد و یک تغییری را از هزارتوی مسیرهای عابر پیاده به خطوط مشخص و نرم حمل و نقل موتوری محسوب می‌شود.

مرحله نهایی توسعه نظام حرکت اتومبیل محور، شکل‌گیری ماشین‌های هوشمند است. با انقلاب تکنولوژی اطلاعاتی مفهوم جابجایی کالبدی تغییر کرده‌است. از این‌رو در جریان معاصر، تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات به اجزا متحرکی چون اتومبیل الصاق می‌شوند. در عین حال اطلاعات فیزیکی در قالب داده‌های دیجیتالی از موقعیت حرکت ساطع می‌شوند و اتومبیل‌ها و جاده‌ها و ساختمان‌ها به سیستم‌های دریافت و ارسال اطلاعات مجهز شده‌اند. از این رو اتومبیل از قالب یک قفس آهنی صرف خارج شده و به عنوان عنصر جدیدی از شبکه ارتباطی نقش ایفا می‌کنند. بنابراین نظام شبکه این قدرت را به اتومبیل داده است تا بار دیگر جهان را به تسخیر خویش آورد.

با ابداع تکنولوژی حمل و نقل هوایی انبوه، به نظر می‌رسد حمل و نقل هوایی شخصی در راستای استعاره هر خانواده یک هواپیما^۱ نیز امکان‌پذیر شده‌است. پروازها، خطوط هوایی، هواپیماها و شهرهای فرودگاهی در نظام جهانی شده نقش کلیدی را ایفا می‌کنند. بدون سیستم‌های حمل و نقل هوایی انبوه، نظام فعلی جهانی و جهانی سازی عملاً امکان‌پذیر نمی‌بود. ولی فضاهای هوایی نه مکان هستند و نه لامکان. آن‌ها به شیوه‌های متعارف تصرف مکانی قابل سکنی گزیدن نیستند. ولی فضاهای هوایی بیشتر شبیه مکان‌هایی هستند که نظم جهانی در آن‌ها جریان دارد. تشخیص تمایز فضاهای هوایی با سایر مکان‌ها در این نظم جهانی سخت‌تر شده‌است. به نظر می‌رسد نوعی تفاوت‌زدایی به موازات توسعه سیستم حمل و نقل هوایی در سراسر جهان در حال شکل‌گیری است. بنابراین فقط مسافران به اقصی نقاط جهان سفر نمی‌کنند بلکه سیستم‌های امنیتی که چنین پروازهایی را ممکن می‌سازند نیز با آن‌ها منتقل می‌شوند. فرودگاه شهر آینده است و البته اشکال اتوماسیون پایشگری فرودگاه‌ها نیز از مشخصه‌های شهر آینده خواهد بود.

نظام در هم تنیده قدرتمندی از شبکه‌های دانش‌بنیان در حال شکل‌گیری است. این سیستم‌ها بیشتر بر پایه نظام‌های نرم‌افزاری شکل گرفته‌اند و در حال سازماندهی تولید، مصرف، سفر، ارتباطات در کل جهان هستند. همه این پدیده‌ها به دلیل ویژگی شبکه‌ای نظم جدید جهانی محقق می‌شوند. به دلیل ماهیت شبکه‌ای کار، دوستی، خانواده، قرار ملاقات‌ها است که ارتباطات مجازی هنوز نتوانسته‌اند جایگزین ارتباطات رو در رو شوند. ارتباطات موبایلی ابزارهای دم دستی^۲ ابالاتی برای جابجایی‌های فیزیکی^۳ تجمیع یافته محسوب می‌شوند. آن‌ها ارتباطات انسانی را به ارتباطات در حرکت تغییر داده‌اند و درون فضاهایی^۳ را توسعه داده‌اند که نظام زمانی را از حالت رسمی و تقطیع شده به حالت غیر رسمی با مختصات سیال بدل

^۱.A plane in every garage

^۲.Ready to hand

^۳.Interspace



کرده‌اند. این هیبریدهای ماشینی در مورد مساله فاصله تناقض آفرین هستند. آن‌ها جهان مادی را ابداع کرده‌اند که در آن مرزی میان نزدیکی و دوری، میان سکون و حرکت وجود ندارد. این جهان مادی، فضاهای اجتماعی فراکتال جدید را پدید آورده‌اند که در آن هر قلمرو از درون، زیر و امتداد سایر قلمروها تا خورده و یک توپولوژی اجتماعی جدید را پدید می‌آورند. هرگونه تحلیلی از حرکت، سفر و حمل و نقل، نباید صرفاً با انگیزش‌های فردی و محاسبه منفرد هزینه فایده معمول مطالعه شود. بلکه این تحلیل‌ها باید فرایندهای سیستمی را در پارادایم جدید تحرکات مد نظر قرار دهند. این سیستم‌ها که اتصال‌ها را در همه قلمروهای ارتباطی در سراسر جهان پخش می‌کنند، کمتر بر پایه اشکال پیش‌بینی پذیر هم‌بودگی بنیان نهاده شده‌اند و بیش‌تر بر پایه شبکه‌های دور با اتصالات ضعیف کار می‌کنند. اتصالات ضعیف با توسعه سرمایه شبکه‌ای از شبکه‌ای به شبکه دیگر پخش می‌شوند و به یکباره قدرت برخی گره‌گاه‌ها را افزایش داده و به تبع آن نابرابری‌های اجتماعی را در دسترسی به سرمایه شبکه‌ای تولید می‌کنند. وقتی افراد روز به روز دورتر از هم می‌شوند، ملاقات‌های کاری و خانوادگی اهمیت می‌یابد. توزیع جغرافیایی شبکه شغل، حرفه، خانواده و دوستان افراد، ساختار فرم و ریتم و الگوی سفر افراد را تعیین می‌بخشد. بنابراین دینامیسم یکی از مشخصه‌های بارز سرمایه شبکه‌ای است. هرچه شبکه وسیع‌تر باشد، نیاز به سرمایه شبکه‌ای بیشتر برای ایفای نقش درون آن شبکه نیاز است. رشد و توسعه اشکال مختلف تحرکات و جابجایی‌ها، زمینه‌ها و درون فضاهای اجتماعی جدید را پدید آورده است که در آن سرمایه شبکه‌ای بسیار اهمیت یافته است. در این شبکه افراد اطلاعات بسیاری از خود را جابجا می‌کنند و ابژه‌های^۱ انسانی ردپاهای بی شماری از خود در شبکه به جا می‌گذارند. انتقال این حجم عظیم اطلاعات به داده‌گاه‌سازی شبکه منجر خواهد شد. آینده خاص زیست انسانی در سیاره زمین بر اساس همین داده‌گاه‌سازی‌های گسترده و شدید از هر فرد رقم خواهد خورد و هر فرد یک هویت ترمینالی خواهد یافت.

نتیجه گیری

نفس روزگار فولاد و حرکت وابسته به نفت به شماره افتاده است. یقیناً تا سال ۲۱۰۰ تکنولوژی قرن نوزدهمی اتومبیل شخصی آهنی با موتورهای احتراقی دیگر معنی نخواهد داشت. تا آن زمان شاید اجتماعات کوچک یا شهرهای ایالتی شکل بگیرند که دارای ترافیک بسیار شدید اطلاعاتی هستند و وارد عصر پسا اتومبیل شده‌اند. شاید هم اشکال دیگری از حمل و نقل فردی ابداع شوند که بر پایه یافته‌های انعطاف‌پذیر فضا و زمان شکل گرفته‌اند. ولی جنگ بر سر نفت و تاثیرات روزافزون گرمایش اقلیمی و شکل‌گیری اشکال قبیله‌ای تجارت^۲ ممکن است همه این پیشرفت‌های خطی در مورد آینده را به یک باره فرو پاشد. با به انتها رسیدن ذخایر نفتی، احتمال دارد جهان به مناطق وحشی تقسیم شود و سرنوشت جامعه انسانی توسط جنگ‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی رقم بخورد.

البته سناریوهای دیگری از آینده نیز قابل تصور است، جایی که مدالیت‌های گوناگون جریان‌های حرکتی و لذت پر جوش و خروش هم‌بودگی به گونه‌ای تأمین شود که هم پایدار باشد و هم فرصت‌ها و ظرفیت‌های برابر را ایجاد نماید. البته این سیستم با چالش‌های زیاد و پراکنده رو بروست. امید می‌رود علم جامعه‌شناسی از پارادایم جدید تحرکات بهره‌مند شود. فکر کردن به آینده‌های متفاوت با نگاه تحلیلی به این پارادایم مشخص می‌سازد که آینده جهان بین یک نگاه اورولی^۳ و هابزی^۴ قرار گرفته باشد، بین یک جهان شیطانی و آرامش آب‌های عمیق...

منبع

Urry, J. (2007). *Mobilities*. UK: Polity Press.

^۱.Objectives

^۲.Tribal trading

^۳.Orwellian

^۴.Hobbesian

بخش سلامت

مریم کاظمی^۱

سلامتی تاجی است بر سر انسان های سالم که فقط افراد بیمار می توانند آن را ببینند.



۱-گرامی داشت هفته سلامت

هفته سلامت که از اول اردیبهشت ماه آغاز می گردد به علت شرایط خاص حاکم بر جهان و شیوع ویروس کوئید ۱۹ و ایجاد زحمات بی دریغ کادر درمان در سال ۱۳۹۹ با شعار **حمایت همگانی از مدافعان سلامت** همراه است تا قدری از زحمات این عزیزان که با به خطر انداختن سلامتی خویش فداکاری و ایثار نموده و صد البته نقطه قوت ملت و جامعه ما هستند، قدردانی گردد. به همین مناسبت یادی کنیم از یکی از بزرگ ترین این نوابغ و مدافعین سلامت در تاریخ ایران و جهان، کسی که قرن ها پیش با به خطر انداختن سلامت خویش و در نهایت نابینا شدن در اواخر عمر زمینه ساز چنین ذهنیت محکمی در طول تاریخ در ملت ما شده است.

۲-ابوبکر محمد بن زکریای رازی

محمد زکریای رازی کیمیاگر، پزشک، فیلسوف، متفکر، چهره ی نامدار و باهوش قرن سوم و آغاز قرن چهارم قمری است. دانشمندی که امروزه بیش از هر کسی سخن از اوست. کاشف الکحل، مبتکر استفاده از پنبه در علم پزشکی، اولین پزشکی که بیماری آبله را از سرخک تشخیص داد، اولین پزشکی که از سل مفصلی انگشتان صحبت کرد و بزرگ ترین پزشک ایران و جهان اسلام در قرون وسطی، کسی که از نظر جوئل کریمر : "بر قله ی انسان گرایی ایرانی ایستاده است".^۲

محمد بن زکریای رازی، بی شک طبیبی حاذق و پزشکی عالی قدر و مهربان بود که برای حفظ سلامتی و درمان دردمندان از هیچ کوششی دریغ نمی کرد. تا آنجا که ابوعلی سینا او را در طب بسیار عالی مقام دانسته و از اطلاعات او استفاده نموده است. او جزء اولین پزشکانی است که تجربه و آزمایش را وارد علم طب نمود و نخستین پزشکی که متوجه

^۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی و رابط سلامت دانشگاه شیخ بهائی

^۲. ویکی پدیا، زکریای رازی

تفاوت بیماری آبله و سرخک شده و در کتاب «الجدری و الحصبة» آن را توضیح داده است، تا آنجا که دانشمندان غربی این کتاب را بزرگ‌ترین تالیف وی و در کل برجسته‌ترین اثر خدمت فرهنگ اسلامی به علم پزشکی می‌دانند. جالب است بدانید کتاب الجدری و الحصبة او در سال ۱۴۹۸ میلادی به لاتین ترجمه و چاپ شد و پس از آن ۴۰ بار در اروپا به چاپ رسید. هرچند معروف‌ترین کتاب او الحاوی می‌باشد که در واقع یک دایره المعارف پزشکی است.^۱ این کتاب در سال ۱۴۸۶ میلادی به لاتین ترجمه و به مدت پانصد سال در دانشگاه‌های اروپا تدریس شد. همچنین نخستین نوشته‌ی اختصاصی و مستقل راجع به امراض کودکان به او نسبت داده شده است، به طوری که سیریل الگود مورخ انگلیسی او را پدر طب اطفال می‌داند.^۲



این نابغه‌ی بزرگ علم پزشکی با اثر دادن سرکه با مس، زنگار یا استات مس تهیه و با آن زخم را شستشو داد، جوهر گوگرد را کشف کرد و از پنبه برای زخم نشدن بدن بیمار آبله‌ای استفاده نمود و آثار مکتوب بسیاری در علم پزشکی همچون «من لا یحضره الطبیب» را برای مردمان نیازمند و فقرا تالیف نمود که نام دیگر آن به طب الفقرا معروف است، زیرا او به جای برگزیدن خاندان‌های بزرگ و سلاطین، بیشتر با مردم عادی

در ارتباط بود و نسبت به فقرا بسیار مهربان توصیف شده است. گویند او اعتقاد داشت که هرکس لایق طبابت نیست و طبیب باید دارای صفات و مشخصات ویژه‌ای باشد و مریضی سریع الزوال است اگر طبیب دانا و مریض مطیع باشد.^۳ از تالیفات دیگر او در علم پزشکی می‌توان به «الحصی فی الکلی و المثانه» با موضوع سنگ کلیه و مثانه، «دفع مضار الاغذیه» درباره پیش گیری از ضررهای غذا، «طب المنصوری»، «الفصول فی الطب»، «المدخل الی الطب»، و غیره اشاره نمود.^۴ او همچنین در زمینه‌ی داروها آثار گرانمایی برجای نهاد که از جمله‌ی آن‌ها کتاب «الابدال» درباره جانشینی داروها و کتاب «الادویه الموجودة بکل مکان» و از ویژگی‌های کتاب الحاوی همان بس که خواص دارویی هفتصد نوع گیاه را در آن آورده است.

جالب است بدانیم که قرن‌ها قبل او با افراد کم سواد که خود را طبیب می‌نامیدند و اطرافیان بیمار که در کار طبابت دخالت می‌کردند، مخالف بود و به این جهت در علم پزشکی نیز همچون فلسفه، که به خاطر دیدگاه و عقاید فکری خاص خود با منتقدان سرسختی روبرو بود، مخالفانی داشت و متأسفانه به خاطر گذر زمان و هجوم افکار متحجر و منتقدان متعدد

۱. فرهنگ و تمدن اسلامی، علی اکبر ولایتی، ص ۱۳۳

۲. تاریخ طب در ایران، سیریل الگود، کمبریج، ۱۹۵۱

۳. الفهرست، ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱

۴. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، زکریای رازی، و مولفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، محمود نجم آبادی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹



در طول تاریخ هم اکنون نه تنها از بعضی تالیفات این نابغه بزرگ اثری نیست بلکه از آرامگاه ابدی رازی هم نشانی وجود ندارد.^۱ اما تاریخ ثابت نموده است که:

هرگز
مرد نکونام
سعدیا
آن است
مرد
نسرند
بکنوبی
که یانمش

^۱. ویکی پدیا، زکریای رازی

تجربه نزدیک به مرگ

سید علیرضا هدائی^۱

در دوره معاصر، مطالعه و توجه به پدیده‌های فراروان‌شناختی^۲ در خصوص زندگی پس از مرگ بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. همواره یکی از جذاب‌ترین موارد در این حوزه، تجربه‌های نزدیک به مرگ بوده است.

NDE^۳ یا تجربه نزدیک به مرگ، اصطلاحی است که برای نخستین بار

در سال ۱۹۷۵ توسط دکتر ریموند مودی محقق و روان‌پزشک آمریکایی در کتاب «زندگی بعد از زندگی»^۴ به کار برده شد. وی در این کتاب به گزارش و شرح مصاحبه‌هایش با هزاران نفر پرداخت که همگی کمابیش سرگذشت مشابهی را از زندگی دوباره، پس از وقوع مرگ بالینی تجربه کرده بودند. او خود بعد از گفت‌وگو با این افراد که تجربیات نزدیک مرگ داشته‌اند می‌گوید: «تردیدی ندارم که زندگی ما با مرگ پایان نمی‌گیرد. من در این مورد هیچ شکی ندارم». با این همه، او هوشمندانه نام این کتاب را «زندگی بعد از زندگی» و نه «زندگی بعد از مرگ» می‌گذارد. مقصود از مرگ بالینی، شرایطی است که متعاقب اتفاقاتی نظیر ایست قلبی، شوک، خون‌ریزی هنگام وضع حمل یا عمل جراحی، برق‌گرفتگی، کما، خون‌ریزی یا سکتۀ مغزی، خودکشی ناموفق، غرق و خفگی و حبس طولانی نفس حادث می‌شود.

گردد و فرد دیگر علائم حیاتی را از دست می‌دهد و قلب و مغز او فعالیت ندارد؛ با این تفاوت نسبت به مرگ قطعی که احتمال بازگشت و زنده شدن مجدد بیمار - به‌رغم قطع همه علائم حیاتی‌اش - همچنان وجود دارد. NDEها شامل تجربیات و احساسات مختلفی می‌شود و موارد مشترکی که در همه افراد تجربه‌گر کمابیش گزارش شده از این جمله‌اند: شنیدن یک صدای ناخوشایند (اولین ادراک حسی)، احساس مردن و جدا شدن از بدن و تجربه از هم پاشیدگی کامل، حس شناور شدن بالای بدن و دیدن فضای مجاور، وحشت زیاد و سپس احساس آرامش و امنیت مطلق، حس حرکت به سمت بالا و عبور از میان تونلی از نور یا راهرویی نورانی، دراز و باریک، رؤیت نور (خدا، مسیح یا یک وجود روحانی مانند فرشته و ملاقات با اشخاص روحانی)، ملاقات با بستگانی که فوت کرده‌اند، مرور خاطرات دوران زندگی و در واقع، تجربه مجدد زندگی زیسته خود در عمق زمان، رسیدن به مرز دنیا و آخرت و احساس ورود به جهانی دیگر در غایت زیبایی و بسیار تماشایی و سیر در ساحتی غیر مادی و سرزمینی آسمانی که غالباً «آنجا» را اصل حقیقت و واقعی‌تر از عالم مادی توصیف کرده‌اند، و ادراک آن عالم با همه جزئیاتش و با تمام وجود، و در نهایت، احساس بازگشت به بدن دنیوی، همراه با بی‌میلی و فعال شدن دوباره

^۱. عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه شیخ بهایی

^۲. Parapsychological

^۳. Near Death Experience

^۴. Life After Life

کارکردهای بدن، همچون ضربان قلب و امواج مغز. البته گزارش تجربه‌گران حاکی از آن است که گاهی مخیر بین ماندن و بازگشت، و گاهی الزام به بازگشتن شده‌اند.

برخی افراد و فرهنگ‌ها NDE را یک نگاه آنی و روحانی و ماوراء طبیعی به زندگی پس از مرگ دانسته‌اند. بوریس گریسون - روان‌پزشک و محقق NDE - می‌گوید: «NDE رویدادهای روان‌شناختی عمیق با مؤلفه‌های رمزآلود، روحانی و متعالی است که برای افرادی روی می‌دهد که در آستانه مرگ و یا در وضعیت‌های شدید آسیب جسمانی قرار می‌گیرند». موارد مذکور بعد از مرگ بالینی افراد گزارش می‌شود و چون خیلی به مرگ نزدیک شده‌اند، نام «تجربه نزدیک به مرگ» بر آن نهاده‌اند.^۱

تجربه نزدیک به مرگ در افراد مختلف متأثر از اعتقادات آن‌هاست و از این‌رو، در خصوص کودکان - چون زمان کافی



برای پرورش ایمانی قوی نداشته‌اند- تجربه بسیار محدود و کوتاه گزارش شده است. برخی نیز تجربه نزدیک به مرگ بسیار دردناکی را روایت کرده‌اند که نشان از وحشت آن‌ها از پایان زندگی است.

هم‌چنین، برخی موارد NDE بعد از یک تجربه بسیار سخت روی می‌دهد، مثل شنیدن خبر مرگ قریب‌الوقوع خود از زبان پزشک یا پرستار، و یا قرار گرفتن در وضعیتی مهلک، مانند شنیدن صدای تصادف از نزدیک.

حدود چهار درصد جمعیت جهان تجربه نزدیک به مرگ داشته‌اند و براین-

اساس، مراکز مختلفی برای گردآوری گزارشات مربوط تشکیل شده است، از آن جمله «بنیاد تحقیقات نزدیک مرگ» است که چهار هزار نمونه را جمع‌آوری کرده است. بر مبنای این تحقیقات، تنها ده درصد افراد دچار مرگ بالینی بازگشت دارند و یک سوم آنان، NDE یا تجربه نزدیک به مرگ داشته‌اند.

به‌گفته محققان، نود درصد از گزارشات و تجربیات ادراکی افراد در وضعیت ایست قلبی بدون خطاست و بنابراین، این تجربیات ذهنی، واقعی است و افراد در وضعیت مرگ بالینی، هم‌چنان هوشیارند و پارامترهایی مثل شخصیت و هویت، حافظه، شعور و ادراک، حتی در زمانی که بدن از کار افتاده، می‌تواند فعال باشد.

از منظر این پژوهشگران، مایه شگفتی است که فرد در عین اختلال ذهنی و مغزی، حتی هوشیارتر از حالت عادی می‌تواند عمل کرده، به تفکر و استدلال بپردازد. عاملش چیست؟ به بیان ایشان، اگر عامل آن بدن نباشد، حتماً باید عاملی غیر بدنی وجود داشته باشد که همانا روح است که فراتر از بدن وجود دارد. بر این اساس، آنان دوگانگی جوهری^۲ انسان را نتیجه

^۱ پدیده NDE یا تجربه نزدیک به مرگ، تا حدودی به پدیده فراروان‌شناختی دیگری موسوم به خلسه عارفانه پیش از مرگ در فرهنگ اسلامی شباهت دارد که در آن سالک قبل از آن که مرگش اتفاق افتد، به اختیار خود روح را از بدن خلع می‌کند (OBE یا Out of Body Experience)، لیکن تفاوت‌های بسیاری هم با آن دارد، از جمله این که سالک با طی مراتب دشوار خودسازی و سلوک به چنین قابلیت دست یافته، حال آن که نوع تجربه‌گران نزدیک به مرگ اساساً سیر و سلوکی نداشته و این تجربه را ماحصل تلاش اختیاری خود شمرده‌اند و لذا در بیان جزئیات آن نیز - برخلاف عرفا و سالکان - ملاحظه‌ای نداشته‌اند.

^۲ Dualism



گرفته، به اثبات روح مجرد و غیر مادی پرداخته‌اند. لذا، ارواح انسانی می‌توانند در وضعیت مرگ برگشت‌ناپذیر نیز زنده بمانند.

دلایل:

درباره این که چرا NDEها را واقع‌نما دانسته و در اثبات روح و زندگی پس از مرگ به آن استناد کرده‌اند، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- عدم اختلاف تجربه‌گران متعدد در گزارشات خود و داشتن تجربه‌های کمابیش یکسان.
- احساسی شبیه تجربه واقعی اشیاء فیزیکی؛ تجربه‌گران احساس کرده‌اند که تجربه‌شان کاملاً واقعی است، همان‌طور که اجسام فیزیکی محیط اطراف، لذا مبین وجود جهان پس از مرگ است. خواب و رؤیا، هرچند آن‌قدر واقع‌نما باشد که آدمی را به شدت دچار وحشت یا عمیقاً سرخوش از لذت سازد، به زودی و با حدوث بیداری، انسان واقعیت را درباره اعتبار آن در خواهد یافت. اما بر عکس، در تجربه نزدیک مرگ، واقعی شمردن تجربه با گذر زمان کمرنگ نشده، بلکه شدت یافته، انسان آن را حقیقی‌تر از عالم ماده خواهد یافت؛ ادراکاتی به‌مراتب عمیق‌تر و دقیق‌تر از حواس مادی و دنیوی؛ اعم از ادراکات بینایی، شنوایی و بویایی مشابه در عین حال که به نحوی عجیب، ناشی از توانایی جسمانی نبوده است. گاهی حتی خواندن افکار دیگران توسط تجربه‌گر گزارش شده است؛ مثلاً این-که سرپرستاری دائماً با خود می‌گفته: «چرا باید این اتفاق در شیفت من بیفتد؟!»
- عدم مداخله بدن و اعضای بدنی در این تجارب را اثبات‌کننده روح شمرده‌اند؛ گاهی ابزار جراحی که تا به حال ندیده بوده را پس از احیاء دقیقاً توصیف می‌کند، به بازگویی سخنان پزشک یا پرستاران می‌پردازد و یا از پرستاری که در زمان بی‌هوشی دندان‌های مصنوعی‌اش را برداشته، می‌خواهد که آن‌ها را بیاورد!! یا اطلاعاتی عینی و درست از محیط اطراف یا حتی منزل خود به دست می‌دهد. شخص در این تجربه با ارواح اقوام فوت شده ملاقات می‌کند و عجیب است؛ گاهی حتی روح کسی را می‌بیند که قبلاً از فوت او بی‌خبر بوده است.
- در پیش گرفتن حیاتی اخلاقی‌تر و مؤمنانه‌تر و نه‌راسیدن از مرگ را نشان واقعی بودن تجربه دانسته‌اند. در مورد توهمات، پس از مدتی فاصله گرفتن از تجربه آن‌ها، معمولاً خود انسان متوجه می‌شود که توهمی بوده‌اند، اما در خصوص NDE باید گفت هرچه زمان می‌گذرد، غالب افراد نسبت به واقعی بودن آن مطمئن‌تر می‌شوند و آرزوی بازگشت به آن را دارند؛ زندگی دنیوی را پلی برای رسیدن به زندگی اخروی می‌دانند و حتی برای رسیدن به سعادت اخروی می‌کوشند.

نقد:

استفاده از تجربه‌های نزدیک مرگ برای اثبات جهان آخرت و زندگی پس از مرگ، همواره اشکالات و نقدهایی را به دنبال داشته است؛ نقدهای علمی و نقدهای اعتقادی-کلامی. دسته اول اشکالات که از منظر علم تجربی مطرح می‌شود از این جمله است:

- تأثیر عوامل مادی بر مسأله؛ از جمله تأثیرات مغزی تزریق دارو، به‌خصوص داروهای بیهوشی (مثلاً با افزایش اندرفین در مغز، تجربه شدیدتر شده، با جلوگیری از ترشح آن، تجربه قطع می‌گردد). نیز، اثر مصرف مخدرها بر ایجاد توهمات به



اثبات رسیده است. همچنین، تأثیر افزایش CO_2 بر شدت گرفتن تجربه نزدیک مرگ و نقش تحریک الکتریکی بخشی از شقیقه بر مسأله قابل تأمل است.

- فعال ماندن حافظه در طی تجربه، به خصوص که کودکان اکثراً ملاقات با زندگان را تجربه می‌کنند و نه دیدار با بستگان از دنیا رفته را.

- تأثیر و نقش پیش‌زمینه‌های فردی و اجتماعی شخص بر تجربه او نشان می‌دهد مغز او همچنان در این فعالیت دخالت دارد.

اما دسته دوم و مهم‌تر، نقدهای کلامی و اعتقادی است؛ از جمله این‌که، بر خلاف آن‌چه در متون مقدس آمده، شخص تجربه‌گر با بهشت و جهنم برزخی مواجه نمی‌شود؛ جهانی که گزارش می‌شود متفاوت با محتوای ادیان ابراهیمی است. هرچند NDEها امکان وجود نوعی از زندگی پس از مرگ را فارغ از دین و مذهب ایشان محتمل می‌سازند و این می‌تواند نقطه قوتی به حساب آید، از منظر دینی، همانندی تجارب صالح و فاسق و شرایط مشترک آنان و عدم تفکیک دقیق افراد خوب و بد، نقطه ضعف تلقی می‌گردد و خلاف آموزه‌های ادیان ابراهیمی درباره عالم برزخ و حیات برزخی متفاوت افراد در آن است که این می‌تواند به بی‌پروایی اخلاقی افراد و یا انکار مشهورات دینی در باب سختی و عذاب برزخ و ساده‌انگاری آن- به عنوان مثال، پس از مشاهده یک برنامه مستند تلویزیونی درباره تجربه نزدیک مرگ - دامن زند.^۱

نتیجه:

بنابراین و از منظر دینی باید گفت، جهانی که آن تجربه‌گران گزارش کرده‌اند، نسبتی با عالم برزخ معهود ادیان ندارد، هرچند به نوعی می‌تواند بر بقاء پس از مرگ جسم و استمرار ادراک انسان پس از قطع ادراکات مادی دلالت کند. بهتر است این تجارب را ناشی از فعالیت مغزی افراد مقارن با مرگ آنان بدانیم و در عین حال قطعیتی در سخن نداشته باشیم تا باب گفت‌وگو برای کشف حقیقت باز بماند. حتی اگر NDEها را کاملاً واقعی بدانیم، صرفاً ادامه حیات را برای مدت اندکی پس از مرگ اثبات می‌کند و نه جاودانگی انسان را آن گونه که ادیان خبر از آن داده‌اند. لذا شاید منکران معاد هم تا این حد از زندگی پس از مرگ را بپذیرند، اما حیات برزخی ادیان، در پرتو پذیرش خداوند و صدق آموزه‌های پیامبران قابل تبیین است.

منابع:

- ۱- اکبری، رضا (۱۳۹۰). *جاودانگی*. قم: بوستان کتاب.
- ۲- کجباف، محمدباقر؛ قاسمیان‌نژاد، علی‌نقی و فرحناکیان، کمیل (۱۳۹۲). تبیین رابطه روح و بدن با تکیه بر نظریه سیستم‌ها و تجربه‌های نزدیک مرگ. *فصلنامه کلام اسلامی*، ۲۲ (۸۵)، ۱۲۹-۱۴۷.
- ۳- اکبری، رضا؛ صادق‌نیا، مهرباب و کیاشمشکی، ابوالفضل (۱۳۸۹). *مبانی اندیشه اسلامی ۱*. قم: دفتر نشر معارف.

^۱. چیزی که اخیراً نیز پس از پخش برنامه گفت‌وگو محور «زندگی پس از زندگی» در جامعه آشکار و عیان بود.



شیخ ماکفت...

از امام صادق(ع) روایت شده است که:

امیرالمومنین(ع) برمنبر فرمود: هیچ یک از شما مزه‌ی ایمان را نمی‌چشد مگر این که بداند آنچه باید به او برسد
خطا نمی‌کند و آنچه خطا می‌کند از آن او نیست.

امام صادق(ع) فرمود: زندانی کسی است که دنیایش او را از دسترسی به آخرت بازداشته است.

از وصیت پیامبر(ص) به ابوذر:

ای ابوذر! چون بامداد کردی در اندیشه شبانگاه مباش!

و چون به شامگاه رسیدی، از بامداد یاد مکن!

از تندرستیت بیش از بیماری برخوردار شو! زندگیت را پیش از مردن قدر بدان! چه ندانی که فردا نام تو چه خواهد بود.

ای ابوذر! به زندگیت بیش از مالت علاقه مند باش!

ابوذر! آن که دانش آموزد تا مردم را به خویش توجه دهد نسیم بهشت را در نخواهد یافت!

ابوذر! به کوچکی گناه منگر بلکه بنگر تا چه کسی را عصیان می‌ورزی!



شقیق بلخی مردی را گفت : فقیرانتان چه می کنند؟ مرد گفت: اگر یابند خورند و اگر نیابند بردباری کنند.

شقیق گفت: سگان بلخ نیز چنین کنند! مرد گفت شما چه می کنید؟

شقیق گفت: اگر یابیم ایثار می کنیم و اگر نیابیم شکر بگذاریم!!

عربی با معاویه غذا می خورد معاویه درلقمه اش مویی دید او را گفت: موی را از لقمه ات بگیر!

مرد گفت: آنچنان مرا می نگری که موی در لقمه می بینی؟!

به خدا که زین پس با تو غذا نخورم.

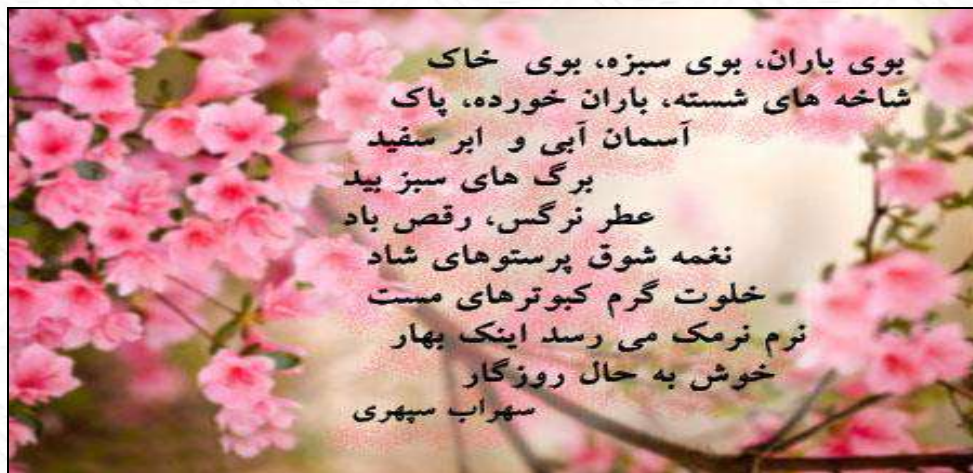
نام نیک رنختان ضایع کن

تا بماند نام نیکت ماندگار



مناسبت ها در فصل بهار

۱ فروردین آغاز سال ۱۳۹۹ هجری شمسی مصادف با ۲۵ رجب ۱۴۴۱ هجری قمری، شهادت امام کاظم (ع)



۳ فروردین، ۲۷ رجب مبعث رسول اکرم (ص)





۹، ۱۰ و ۱۱ فروردین (۳، ۴ و ۵ شعبان) میلاد با برکت امام حسین (ع)، حضرت عباس (ع) و امام سجاد (ع)



۱۲ فروردین روز جمهوری اسلامی ایران:

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، به دعوت امام خمینی (ره) همه‌پرسی حکومت جمهوری اسلامی ایران در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ در سراسر ایران برگزار شد و ۹۸/۲ درصد واجدین شرکت در همه‌پرسی با دادن رای «آری»، با برقراری حکومت جمهوری اسلامی موافقت کردند.

۱۷ فروردین (۱۱ شعبان) میلاد با سعادت حضرت علی اکبر (ع) و روز جوان



۲۱ فروردین (۱۵ شعبان) ولادت حضرت قائم (عج) و روز جهانی مستضعفین



۲۵ فروردین روز بزرگداشت عطار نیشابوری^۱

شیخ فریدالدین محمد بن ابوبکر نیشابوری مشهور به «عطار» شاعر بزرگ ایرانی در قرن ششم. در روستای کدکن نیشابور به دنیا آمد. از همان دوران کودکی به مدارس علمیه شهر راه یافت و به تحصیل علوم دینی، فنون ادبی سنگین، علم حکمت، کلام و نجوم را نیز آغاز کرد. او شغل پدر خود، عطاری (داروفروشی) را ادامه داد تا این که بنا بر حادثه‌ای به عرفان جذب شد. او که سرمایه‌ی بزرگی از ادب و شعر اندوخته بود، عموم اندیشه‌های عرفانی خود را به نظم درآورد. آثارش سلیس، بی‌تکلف، سبک، شیوا و روان است و از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تذکره الاولیاء، دیوان عطار، منطق‌الطیر، مظهرالعجایب، هفت وادی عرفان، مصیبت‌نامه، الهی‌نامه، اسرارنامه، مختارنامه، خسرونامه، دیوان غزلیات و قصاید، جواهرنامه و شرح‌القلب نام برد. آرامگاه این شاعر بزرگ و عارف نامی ایرانی در زادگاهش، شهر تاریخی نیشابور می‌باشد.

۱ اردیبهشت روز بزرگداشت شیخ اجل سعدی شیرازی:



شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی (قرن ۷ ه.ق) یکی از بزرگ‌ترین شعرای ایران بلکه یکی از بزرگ‌ترین سخنوران جهان می‌باشد. سعدی زبان شیوای خود را وقف مدح و احساسات عاشقانه نکرده، تجارب ناشی از جهانگردی خود را برای دیگران با زیبایی و شیرینی بیان و در سخنان خود چه در نثر و چه نظم از امثال و حکایات دلپذیر استفاده نموده است. شوخ طبعی و بذله‌گوی، «سهل و ممتنع» بودن آثارش از دلایل شهرت وی می‌باشد. این صفت به این معنی است که اشعار و متون آثار سعدی در نظر اول «سهل» و ساده به نظر می‌رسند، کلمات

^۱.<http://wikifeqh.ir/>

سخت و نارسا ندارد و هر کسی آثار او را به راحتی می‌فهمد. «ممتنع» است یعنی وقتی می‌خواهد چون او سخن بگوید می‌فهمد که این کار سخت و دشوار و هدفی دست نیافتنی است. وی در سال ۶۹۰ یا ۶۹۱ ه. ق فوت نمود و مقبره‌اش در باغی نزدیک به سرچشمه نهر رکن آباد شیراز قرار دارد.^۱

۳ اردیبهشت روز بزرگداشت شیخ بهایی:

بهاءالدین محمدبن حسین عاملی (۹۵۳ - ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ ق) معروف به شیخ بهایی در بعلبک از توابع جبل عامل در یک خاندان علم و دانش پا به عرصه حیات نهاد. پدرش شیخ حسین فرزند عبدالصمد حارثی از شاگردان مرحوم شهید ثانی پس از شهادت استاد، در اثر سختگیری‌هایی که در امور شیعه در جبل عامل پیش آمده بود، به ایران آمد و در اصفهان ساکن شد. بعد از سه سال اقامت در اصفهان، شاه طهماسب به توصیه و تأکید شیخ علی منشار، عزالدین حسین را به قزوین دعوت و منصب شیخ الاسلامی این شهر را به او اعطا نمود. شیخ بهائی نیز همراه پدرش به قزوین آمد و به تحصیل علوم مختلف پرداخت. بعدها پدرش برای مدتی شیخ الاسلام هرات شد، اما وی در قزوین ماند. شیخ بهائی پس از مرگ پدرش به امر شاه طهماسب به شیخ الاسلامی هرات منصوب گردید. پس از وفات پدر همسرش شیخ علی منشار، در همان سال شیخ الاسلام اصفهان شد. شیخ بهائی پس از مدتی، به شوق سفر حج، از شیخ الاسلامی کناره گرفت و مسافرت طولانی خود را آغاز کرد و در ۱۰۲۵ به اصفهان بازگشت و از آن پس تا آخر عمر ملازم شاه عباس بود. وی در این سفر، به عراق و حلب، شام و مصر و سرانندیب، حجاز و بیت المقدس رفته و در سیاحت خود به مصاحبت بسیاری از علما و اکابر صوفیه نائل گردید.



شیخ بهایی در اثر ذکاوت و استعداد فطری که داشت، با بهره‌گیری از پدر و محیط علمی و فضیلتی اصفهان توانست محضر اساتید متعدد در رشته‌های مختلف را درک و در زمینه‌های مختلف اطلاعات و آگاهی کسب کند. او ادیب، شاعر، فیلسوف، ریاضی‌دان، فقیه، مفسر و از طب نیز بی‌بهره نبوده است. او اولین کسی است که یک دوره فقه غیراستدلالی به صورت رساله عملیه به زبان فارسی نوشت که به نام جامع عباسی معروف است.

وی یکی از پربرکت‌ترین علمای جهان اسلام از نظر تألیف و تنوع در آن بوده است. برخی تعداد تالیفات او را با توجه به رساله‌ها و تحشیه‌ها و تعلیقه‌ها، به عدد ۲۰۰ جلد رسانده‌اند، آثار او به تفکیک موضوعات شامل: فقه (۲۹ ج.)، علوم قرآنی (۹ ج.)، حدیث (۲ ج.)، اصول اعتقادات (۵ ج.)، اصول فقه (۵ ج.)، رجال و اجازات (۸ ج.)، ادبیات و علوم عربی (۲۸ ج.)، وقایع الایام (۱ ج.)، ریاضیات (۲۰ ج.)، حکمت و فلسفه (۳ ج.)، علوم غریبه (۴ ج.)، و غیره را می‌توان نام بود.

بیش از چهل تن از دانشمندان و بزرگان قرن یازدهم ه. ق. هم چون ملاصدرا، فیض کاشانی، علینقی کمره‌ای، محقق شیخ الاسلام، شیخ جواد بغدادی و ملا محمدتقی بن مقصود علی مجلسی از شاگردان وی بودند. در دوازدهم شوال سال ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ ه. ق. در شهر اصفهان دارفانی را وداع گفت. مقبره ایشان در آستان قدس رضوی قرار دارد.^۲

^۱ <https://article.tebyan.net/>

^۲ <http://wiki.ahlolbait.com/>



۶ اردیبهشت ۱ رمضان الکریم حلول ماه مبارک رمضان

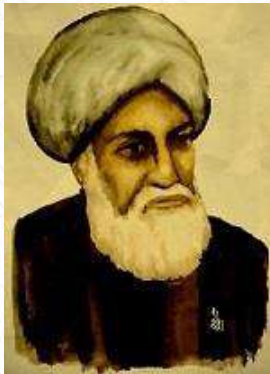


۱۲ اردیبهشت سالروز شهادت استاد مطهری و روز معلم



۱۵ اردیبهشت (۱۰ رمضان) وفات ام المومنین حضرت خدیجه کبری (س)



۱۵ اردیبهشت روز بزرگداشت شیخ صدوق:

محمد بن علی بن بابویه قمی (۳۰۵ تا ۳۸۱ ه. ق.) متولد قم، معروف به شیخ صدوق و ملقب به رئیس المحدثین، سرآمد حدیث شناسان شیعه است و از این رو که در نقل روایات، جز به راستی سخن نمی گفت، به «صدوق» شهرت یافت. با جمع آوری روایات اهل بیت و تالیف آن‌ها در کتاب‌های ارزنده بسیار خدمات کم نظیری به اسلام و تشیع نمود. مشهورترین کتاب برجا مانده از او کتاب "من لایحضره الفقیه" است که یکی از کتاب‌های چهارگانه حدیث شیعه است. ایشان را در قبرستان ابن بابویه به خاک سپردند^۱.

۱۹ اردیبهشت روز بزرگداشت شیخ کلینی:

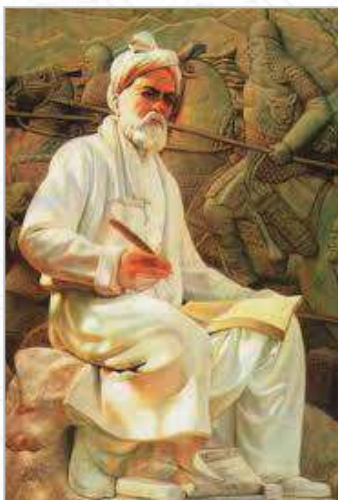
محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی ملقب به "ثقة الاسلام" و معروف به شیخ کلینی، مشهورترین دانشمند فقیه شیعه در نیمه اول قرن ۴ ه. ق.) خدمات ارزنده‌ای در گرد آوری احادیث امامان شیعه انجام داده است. مراجعه شیعه و اهل سنت در مشکلات دینی به دلیل تقوا، علم و فضیلت او موجب شهرت وی به لقب ثقة الاسلام گردید. کتاب کافی مهم‌ترین و نفیس‌ترین کتاب از مجموعه کتب چهارگانه حدیثی (کتب اربعه) مذهب تشیع شامل اصول کافی (دو جلد)، فروع کافی (پنج جلد) و روضه کافی (یک جلد) و در بردارنده ۱۶۱۹۹ حدیث از پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) است که کلینی در طی بیست سال تلاش خستگی ناپذیر به تألیف آن موفق گردید. از دیگر تالیفاتش کتاب‌های الرد علی القرامطه، تفسیر رؤیا (تعبیر خواب)، مجموعه شعر (حاوی قصایدی که شعرا در مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام سروده‌اند)، کتاب رسایل ائمه اطهار علیهم السلام و کتاب رجال را می‌توان ذکر کرد. کلینی در سن ۷۰ سالگی در ماه شعبان سال ۳۲۹ ق. عروج کرد.^۲

۲۰ اردیبهشت (۱۵ رمضان) ولادت امام حسن مجتبی (ع)^۱<http://wiki.ahlolbait.com/>^۲<http://wiki.ahlolbait.com/>



۲۳ اردیبهشت (۱۹ رمضان) ضربت خوردن امام علی (ع)، ۲۵ اردیبهشت (۲۱ رمضان) شهادت امام علی (ع) و

لیالی قدر

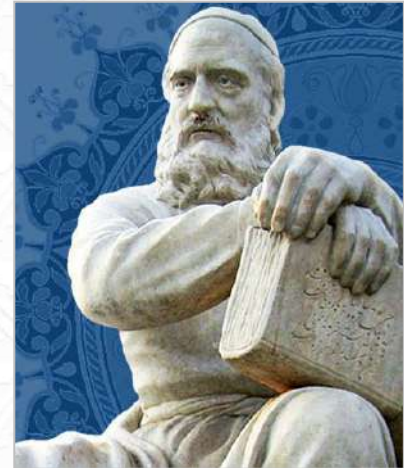


۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی:

حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر حماسه سرای بزرگ ایرانی قرن ۴ ه.ش. متولد قریه فاز طابران طوس. فردوسی نظم شاهنامه را در سال ۳۶۵ ه.ق. در سن ۳۵ سالگی آغاز و در سن هفتاد سالگی آن را به پایان رساند. مآخذ اصلی فردوسی در سرودن شاهنامه، شاهنامه‌ی منشور ابومنصوری است که علاوه بر روایات کتبی و شفاهی به دست فردوسی افتاد فردوسی معانی دقیق و مطالب عالی فلسفی، اجتماعی و اخلاقی بسیاری را در داستان‌های شاهنامه آورده است. شاهنامه تاریخ و داستان‌های ایرانی باستان از آغاز تمدن نژاد ایرانی تا انقراض حکومت ایران به دست اعراب و شامل سه دوره‌ی اساطیری، پهلوانی و تاریخی است که در ۶۰ هزار بیت آورده شده است که در نسخ گوناگون متفاوت است. البته همین دوره تاریخی نیز با افسانه‌ها و داستان‌های حماسی در آمیخته است.

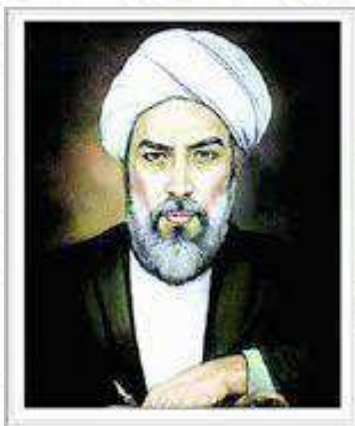
۲۸ اردیبهشت روز بزرگداشت حکیم عمر خیام:

غیاث الدین عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری (۴۲۷-۵۱۰ ه.ق.) فیلسوف، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و رباعی سرای ایرانی دوره سلجوقی است. پایگاه علمی‌اش برتر از جایگاه ادبی اوست و لقب حجه الحق دارد. یکی از برجسته‌ترین کارهای وی را می‌توان گاه‌شمار جلالی یا تقویم جلالی دانست. سرپرستی رصدخانه و آماده سازی زیج ملکشاهی به مدیریت او صورت گرفت. در نزدیک سال ۴۴۹ ه.ق. کتابی درباره‌ی معادله‌های درجه‌ی سوم به زبان عربی نوشت، با عنوان رساله فی البراهین علی مسائل الجبر و المقابله. در همین سال‌ها (۴۵۶ ه.ق.) خیام مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اثر ریاضی خود را با نام رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس را می‌نویسد و در آن خطوط موازی و نظریه‌ی نسبت‌ها را شرح می‌دهد. رساله‌های میزان الحکم و قسطاس المستقیم و رساله‌ی مشکلات الحساب (مسائلی در حساب)، میزان الحکمه (درباره‌ی فیزیک) و لوازم الامکنه (دانش هواشناسی) نگاشت. نوروزنامه دیگر اثر ادبی اوست، در پدیداری نوروز و آیین پادشاهان ایرانی. کتاب جبر و مقابله خیام با تلاش دانش پژوهان اروپایی در سال ۱۷۴۲م. در یکی از کتابخانه‌های لیدن یافته شد. آرامگاه وی در شهر نیشابور، در باغی که آرامگاه امامزاده محروق در آن واقع می‌باشد، قرار گرفته‌است^۱.



۱ خرداد روز بزرگداشت ملاصدرا (صدرالمتهلین):

صدر الدین محمد بن ابراهیم شیرازی (۹۸۰-۱۰۵۰ ه.ق)، متولد شیراز، معروف به صدرالمتهلین و ملاصدرا، فیلسوف بزرگ جهان اسلام و صاحب مکتب فلسفی «حکمت متعالیه» است. از او تألیفات عدیده‌ای که غالب آن‌ها به شیوه‌ی فلسفی نگاشته شده است، برجای مانده است. شیخ بهائی و میرداماد برجسته‌ترین اساتید او بودند. از شاگردان او فیض کاشانی و فیاض لاهیجی می‌توان نام برد. از آثار مشهور او اسفار اربعه، تفسیر قرآن و شرح اصول کافی می‌باشد.



۲ خرداد روز قدس:

روز جهانی قدس، توسط امام خمینی(ره) به عنوان یک روز رسمی برای حمایت از مردم فلسطین نامگذاری شد. ایشان ۱۳ رمضان ۱۳۹۹ق (۱۶ مرداد ۱۳۵۸ش) در پیامی خطاب به مسلمین ایران و جهان، آخرین جمعه‌ی ماه رمضان را روز قدس نامید و از مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی خواست برای کوتاه کردن دست دولت اسرائیل و پشتیبانان آن به هم بپیوندند. پیام مذکور در واکنش به حمله نیروهای اسرائیلی به مسجدالاقصی و همچنین بمباران جنوب لبنان صادر شد. امام خمینی، روز قدس را نه تنها روز فلسطین، بلکه روز اسلام و روز حکومت اسلامی دانسته و آن را مقدمه‌ای برای بسیج عمومی اسلامی و تشکیل حزب مستضعفین در تمام دنیا معرفی کرده است.

^۱. <https://fa.wikipedia.org/>

۳ خرداد فتح خرمشهر روز مقاومت، ایثار و پیروزی:

در عملیات بیت المقدس سال ۱۳۶۱ که توسط ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران صورت گرفت، خرمشهر بعد از ۵۷۶ روز اشغال توسط نیروهای ارتش عراق آزاد گردید. این عملیات در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ در چهار مرحله، با هدف آزادسازی شهرهای خرمشهر، هویزه و جاده اهواز- خرمشهر و رسیدن به مرزهای بین المللی، در منطقه‌ای با وسعت بیش از ۵۴۰۰ کیلومترمربع انجام شد^۱.

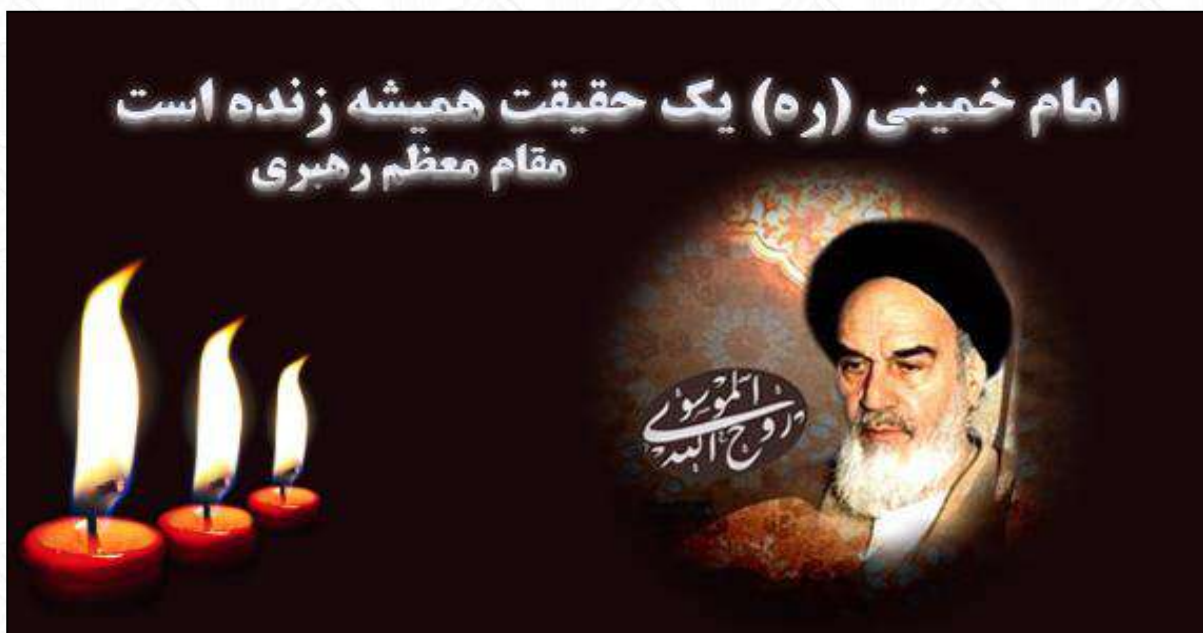
۴ خرداد اول شوال روز عید فطر:



پروردگارا، ای اهل بزرگی و عظمت و ای شایسته بخشش و قدرت و سلطنت و ای شایسته عفو و رحمت و ای شایسته تقوی و آمرزش از تو خواهم به حق این روزی که برای مسلمانان عید و برای محمد صلی الله علیه و آله ذخیره و شرف و فزونی مقام قرارش دادی که درود فرستی بر محمد و آل محمد و مرا در هر خیری درآوری که در آن خیر محمد و آل محمد را درآوری و بروم آری از هر بدی و شری که برون آوردی از آن محمد و آل محمد را - که درودهای تو براو و برایشان باد - خدایا از تو بهترین

چیزی را خواهم که بندگان شایسته‌ات از تو درخواست کردند و به تو پناه برم از آنچه که بندگان شایسته‌ات از آن به تو پناه بردند.

۱۴ خرداد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۸



¹.<http://wikifeqh.ir/>



باد بهار، مژده‌ی دیدار یار داد شاید که جان به مقدم باد بهار داد
 بلبل به شاخ سرو، در آوازِ دلفریب بر دل نوید سرو قد گل‌گذار داد
 ساقی، به جام باده، در آن عشوه و دلال آرامشی به جان من بی‌قرار داد
 در بوستان عشق، نشاید غمین نشست باید که جان به دست بتی می‌گسار داد
 شیرین زبان من، گل بی‌خار بوستان جامی ز غم به خسرو، فرهادوار داد
 تا روی دوست دید دل جان‌گداز من یک جان نداد در ره او، صد هزار داد
 (دیوان امام خمینی)

۱۵ خرداد قیام پانزده خرداد:

در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش. تجمع و راهپیمایی مردم در برخی از شهرهای ایران به عنوان اعتراض به دستگیری امام خمینی (ره) صورت گرفت. سخنرانی او در مدرسه فیضیه قم علیه رفتارهای محمدرضا پهلوی شاه وقت ایران و تشبیه حکومت وقت به حکومت یزید بود. تظاهرات در قم، تهران و ورامین به خشونت کشیده شد و تعدادی از مردم کشته و مجروح شدند. امام خمینی (ره) به دلیل کشته شدن جمعی از مردم، این روز را برای همیشه عزای عمومی اعلام کرد.^۱

۲۸ خرداد (۲۵ سوال) شهادت رئیس مذهب شیعه امام جعفر صادق (ع)

شهادت

صلوات

تسلیت باد

امام صادق علیه السلام فرمودند
 صَلَاحُ حَالِ النَّعَاشِ مِلَّةٌ مَكِّيَالٌ ثَلَاثَةٌ فَطَنَةٌ وَ ثَلَاثَةٌ تَغَافُلٌ
 مَصْلَحَتِ زَنْدَاقِی وَ مَعَاشِرَتِ اجْتِمَاعِی، به پیمانهای پر می ماند
 که دو سوم آن هوش و زیرکی، و یک سومش نادیده گرفتن و تجاهل است
 (تحف العقول، ص ۳۵۹)

^۱<http://fa.wikishia.net/>

**۳۱ خرداد سالروز شهادت دکتر مصطفی چمران و روز بسیج اساتید**

خدایا تو را شکر می‌کنم که شیعیان را با اسلحه شهادت مجهز کردی که علیه طاغوت‌ها و ستمگران و تجاوزگران قیام کنند و با خون سرخ خود، ذلت هزار ساله را از دامن تشیع پاک کنند و ارزش و اهمیت شهادت را در معرکه حیات بفهمند و با ایمان خدایی و اراده آهنین، خود را از لجن زار اسارت جسدی و روحی نجات بخشند. علی وار زندگی کنند و در راه سرخ حسین علیه السلام قدم بگذارند و شرف و افتخار راستین تشیع را که قرن‌ها دستخوش چپاول ستمگران بود دوباره کسب کنند. (شهید چمران)





اخبار دانشگاه در بهار ۱۳۹۹

- تهیه و توزیع مایع ضد عفونی کننده و شیلد بین کارکنان دانشگاه



- حضور اعضای هیات موسس، اساتید و کارمندان دانشگاه در مراسم بزرگداشت ارتحال امام خمینی (ره)





برگزاری کلاس های مجازی به دلیل شیوع کرونا

مایا جمشیدی^۱

مختصری درباره سامانه آموزش مجازی دانشگاه شیخ بهائی

LMS مخفف عبارت "Learning Management System" است. این سامانه تحت وب و از اجزای اصلی سامانه آموزش مجازی یا سامانه آموزش الکترونیکی محسوب می شود. LMS زیر ساخت نرم افزاری لازم برای مدیریت و اجرای دوره های آموزشی را فراهم می کند. سامانه آموزش مجازی امکاناتی را در اختیار مدیر سامانه و مدرس قرار می دهد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می کنیم.

- رصد کردن و ثبت کلیه فعالیت های کاربران
- امکان گزارش گیری از کلیه فعالیت های انجام شده
- مدیریت خودکار روند یادگیری
- ارائه ی محتوای آموزشی با قالب های مختلف (pdf- ppt-mp3-mp4 ,...) و SCORM
- آزمون الکترونیکی
- انجام پروژه ها بصورت الکترونیکی
- مشاهده فایل ضبط شده کلاس بلافاصله بعد از اتمام کلاس
- و.....

استفاده از سامانه آموزش مجازی برای فراگیران، درست شبیه به وارد شدن آنها به کلاس درس حضوری است. فراگیران با استفاده از ال ام اس می توانند محتوای الکترونیکی درس را مشاهده کنند و به پاسخ دهی تمرین های درس یا شرکت در آزمون های آن بپردازند. ورود به سامانه با کامپیوتر و موبایل امکان پذیر است.

ابزار و ماژول های تعامل مدرس و فراگیران در سامانه آموزش مجازی:

- پرسش و پاسخ
- تالار گفتگو
- کلاس مجازی
- گفتگوی متنی

مدرس در هر لحظه می تواند کلیه فعالیت های فراگیران را رصد کند و نسبت به فعالیت های انجام شده نمره دهی کند یا مسیر آموزشی مورد نظر خود را اعمال نماید. در سیستم آموزش مجازی، امکان مدیریت دوره های آموزشی به صورت همزمان (با محوریت کلاس مجازی) و غیر همزمان (با محوریت محتوای الکترونیکی) وجود دارد.

^۱. کارشناس مرکز فناوری اطلاعات دانشگاه شیخ بهائی

Jame' of Sheikh Bahae

June 2020. Internal Magazine of Sheikh Bahae University

